

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۵۳

۲۰ جنوری ۲۰۱۸

## گوشه ای از پیامدهای ششم جدی

سوسیال امپریالیزم شوروی به روز ششم جدی سال ۱۳۵۸ با یک صد و ده هزار عسکر مجهز و کارکشته لشکر چهل قشون «سرخ» بر کشوری که هنوز مناسبات ارباب - رعیتی در آن حرف اول را می زد و از پیشرفت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تجهیزات پیشرفته نظامی، اردوی مجهز و با تجربه، حاکمیت سیاسی مقتدر و قوای هوایی فعال و مجهز در آن خبری نبود، از زمین و هوا هجوم آورد. این تهاجم نظامی که بیش از ۹ سال دوام کرد، برای تجاوزگر ۱۵ هزار کشته، نزدیک به ۵۰ هزار زخمی، میلیاردها دالر هزینه و بالاخره تا مرز از هم پاشیدن شوروی به ۱۵ جمهوریت پیش رفت، اما این تجاوز برای افغانستان عقب افتاده بیش از یک میلیون کشته، یک و نیم میلیون معلول و معیوب، نزدیک به سه میلیون زخمی، ۵ میلیون مهاجر، از بین رفتن نیمی از زمین های زراعتی در نتیجه فرود آمدن هزاران تن بمب و مواد انفجاری دیگر، جابه جایی ۱۰ تا ۱۵ میلیون حلقه ماین در سراسر کشور، تخریب مزارع، باغ ها و خانه های گلی توده های فقیر و بالاخره به جای ماندن کشوری ویرانه، درگیر با جنگ های داخلی، حاکمیت امارت قرون وسطائی طالبان و بالاخره یلغار ۴۸ کشور ریز و درشت امپریالیستی به سردمداری امریکای جنایتکار چیز دیگری به ارمغان نیاورد.

تجاوز شوروی ها به افغانستان که ظاهراً با شعار «انترناسیونالیزم پرولتری» و «کمک و همکاری» با حزب «برادر» (حزب «دموکراتیک خلق») آغاز گردید، در واقع نتیجه توسعه طلبی سوسیال امپریالیزم اتحاد جماهیر شوروی و ستراتیژی رسیدن به آبهای گرم و اوج جنگ سرد بین امپریالیزم امریکا و ناتو از یک طرف و سوسیال امپریالیزم شوروی و پیمان ورشو از جانب دیگر در آسیا بود، مخصوصاً پس از آن که کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ حزب منفور «دموکراتیک» به رهبری نورمحمد تره کی علیه داوود خان که منجر به قتل داوود و اعضای خانواده او گردید و قدرت سیاسی را جناح «خلق» این حزب به رهبری نورمحمد تره کی به دست گرفت، این تهاجم نظامی صورت گرفت.

این وضعیت، امپریالیزم امریکا را آتشین ساخت و از خود واکنش های جدی و شديدی نشان داد که عامل وقوع حرکت ها و تحركات بعدی علیه تره کی گردید. البته نباید از یاد برد که قبل از آغاز تجاوز شوروی به افغانستان، سازمان جاسوسی امریکا (سیا) به دستور جیمی کارتر رئیس جمهور وقت امریکا به تاریخ سوم سرطان سال ۱۳۵۸ تقریباً شش ماه پیش از آن که شوروی ها به افغانستان لشکرکشی کنند، برای اولین بار کمک های محرمانه را به مخالفین رژیم طرفدار شوروی ها امضاء نموده بود و این خود سر آغاز تحریک شوروی ها به حمله بود.

برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر که پولندی الاصل و مهاجر در امریکا بود، در مصاحبه ای که به ارتباط این کمک ها داشت، صریحاً اعتراف نمود که قصد آنها تحریک شوروی ها به اشغال افغانستان بود که مطمئناً این را از بهر نجات حمله احتمالی نظامی شوروی ها به پولند کشور آبائی خود انجام داده بود. او در یک مصاحبه گفت: «ما روس ها را وادار به دخالت نظامی در افغانستان نکردیم، اما آگاهانه امکانات این اقدام را افزایش دادیم.» هنگامی که خبرنگار از او سؤال کرد که: «آیا با مرور وقایع گذشته، پشیمان نیست از این که از رشد بنیادگرایی اسلامی حمایت کرده و به تأمین سلاح و آموزش برای تروریست های آینده پرداخته است؟» برژینسکی پاسخ داد: «باید دید در تاریخ جهان اهمیت چه چیزی بیشتر است؟ طالبان یا سقوط کمونیزم؟ به جنب و جوش در آمدن مسلمانان، یا آزادی اروپای مرکزی و پایان جنگ سرد؟»

زمانی که جیمی کارتر در سرطان ۱۳۵۸ دستور العمل اولین کمک های محرمانه به مخالفین رژیم طرفدار شوروی ها را امضاء می کرد، برژینسکی مشاور امنیت ملی کاخ سفید به کارتر گفت: «حالا می توانیم توپ جنگ ویتنام را به زمین اتحاد جماهیر شوروی بیندازیم.»

رویارویی دو هیولای بربادی جهان (امریکا و شوروی) در افغانستان که یکی هدف هژمونی و گسترش سلطه بر آسیا، رسیدن به آب های گرم هند، به زیر کنترل در آوردن راه های آبی (ترانسپورتی و ترانزیتی)، مدیریت نقل و انتقال کالاهای تجارتي و مواد نفتی از این مسیرها و فکر تسخیر آسیا را در سر می پروراند و دیگری با هدف به زانو در آوردن رقیب سر سخت و به اصطلاح شکست «کمونیزم» تا سرحد کمک گرفتن از استعمار پیر «امپریالیزم انگلیس» و چویدستش (پاکستان)، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و بنیادگرایی اسلامی از هیچ وسیله ای دریغ نورزید، در واقع عامل مهم خارجی وقایع خونین چهار دهه اخیر در افغانستان می باشد. باید متذکر گردید که چون طراحان این تجاوز جنایتکارانه و لمیده در کاخ کرملین که از یک طرف محاسبه دقیق و همه جانبه از قدرت امپریالیزم امریکا و ناتو نداشتند و از جانب دیگر رهبران جناح «پرچم» مخصوصاً ببرک کارمل وضعیت افغانستان را به صورت اغراق آمیز آماده برای دخالت نظامی برای بادران خود تشریح و حاکمان شوروی را دعوت و ترغیب به این تجاوز کردند، فلذا این خود می تواند از بُعد داخلی عامل مهم تباهی و بربادی افغانستان به شمار رود.

تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی، پیامدهای بس ناگوار و جبران ناپذیری را برای توده های زحمتکش و ستمدیده ما به همراه داشت. چنان که پس از خروج شوروی ها به تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۶۷، دولت دست نشاندۀ آن به رهبری نجیب نتوانست در برابر فشار تنظیم های جنایتکار (هفتگانه و هشتگانه) که سراپا در وابستگی به کشورهای امریکا، انگلیس، ایران، پاکستان، قطر، عربستان و سایر کشورهای طماع قرار داشتند، مقاومت نماید و سقوط کرد. این تنظیم های تشنه قدرت در فردای سقوط دولت نجیب با راه اندازی شدیدترین و خونین ترین جنگ داخلی، آستین ها را برای قتل عام توده ها و بربادی کشور بر زدند و تا توانستند، کشتند، بستند، چور و چپاول کردند که تاریخ از یادآوری فجایع روزهای حاکمیت تنظیم های جهادی عار دارد.

قتل و کشتار توسط تنظیم های جهادی یکی از پیامدهای اسفناک تجاوز قشون «سرخ» شوروی به افغانستان می باشد. هنوز خون های ریخته شده توسط جنایتکاران جهادی نخشکیده بود، دود ویرانی شهرها و شعله های آتش هنوز خاموش نگردیده بود که گروه منحوس و قرون وسطائی امارت اسلامی طالبان که از طرف (آی.اس.آی.) تمویل و تجهیز می گردید، برای عملی کردن امیال چویدست امپریالیزم (پاکستان) در افغانستان، تطبیق پروژه یونوکال و راندن جهادی ها به غارها، شلاق را بر جان توده های خسته از جنگ برداشته و تا توانستند ظلم کردند و افغانستان را به قهقراء سوق

دادند. دوره سیاه حاکمیت طالبان که تاریخ خونین کشور ما گواه آن است، سال های سال همچون کابوس در اذهان توده ها باقی خواهد ماند و پیامدهای تراژیک این دوره تاریک هرگز فراموش تاریخ نخواهد شد.

دوره خون و باروت تجاوز امریکا و ناتو به بهانه «جنگ علیه تروریسم» که از شانزده سال به این طرف آغاز گردیده و هر روز ده ها تن از توده های زجر دیده ما را به خاک و خون می کشد، در واقع تداوم تراژیدی چهار دهه اخیر به شمار می رود که سر آغاز آن تجاوز وحشیانه سوسیال امپریالیزم شوروی و ادامه آن تطبیق ستراتیژی آسیائی امپریالیزم امریکا و شرکاء در افغانستان می باشد که طی شانزده سال گذشته همه روزه بر زندگی هر یک ما به صورت مستقیم تأثیرات منفی و مخرب خود را به جای گذاشته است و کماکان باید درد از دست دادن عزیزان خود را در حملات هوائی، زمینی، انتحاری و انفجاری طرف های جنگ ارتجاعی و خود ساخته کنونی تحمل نموده و با پوست و گوشت خود اثرات مخرب فقر، بیکاری، فساد، توهین و تحقیر استعمار و استبداد را حس نمائیم.